توکلت علی الحی الذی لایموت

موضوع: اصول و مبانی مدیریت جهادی

عبدالحجت حق جو[1]   سعیده جعفری راد[2]

چکیده:

یکی از مسائلی مهمی که در بحث مدیریت به صورت عمومی مطرح است، اصول و مبانی آن می باشد. با توجه به اینکه در این دوران مدیریت، جزء مقولات اضافه به شمار می آید، لازم است نسبت به قید همراهش تعریف و حیطه بندی شده تا بتوان با در نظر گرفتن این مقدمات، به صورت تاثیرگذار و مفید، اجرایی شود. ضرورت تبیین مدیریت با توجه به وصف اضافه ی آن، بخاطر اقتضای خاصی است که آن وصف تلفیق شده با مدیریت به آن احتیاج دارد. یکی از این اوصاف اضافی بحث جهاد یا به تعبیری دیگر مدیریت جهادی است. باید توجه داشت که اسلام در مورد جهاد و مبارزه آموزه های فراوانی دارد که این معارف، قابلیت تسری از حیطه ی نظامی به سایر بسترهای ارتباطی داخلی و بین المللی را دارند. بنابراین در این نوشتار ابتدا به یکسری اصول مدیریتی مرتبط با بحث به صورت عمومی پرداخته و سپس الزامات و مبانی جهاد و تاثیر آن را در مدیریت بررسی می کنیم.

کلید واژه: مدیریت جهادی،

---

[1] طلبه مقطع سطح ۴ حوزه علمیه قم.

[2] دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی.

مقدمه:

در زندگی امروز که انسان آماج مسائل متعدد و فضاهای مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... است، برای غلبه بر مشکلات و مسائل مربوط به آن حوزه نیاز به راهکارهایی در جهت رهایی، تطبیق یا فرار از آن موقعیت دارد. صرف نظر از تعاریف و مکاتب متعددی که برای مدیریت تصور و یا ارائه شده است، باید به این نکته توجه داشته باشیم که مهمترین ره آوردی که یک مدیریت خوب باید در پی داشته باشد، دستیابی به اهداف شخصی یا سازمانی و بر اساس نظام ارزشی می باشد. اگر یک مدیر این امر را به عنوان خروجی کار خود در نظر بگیرد، به راحتی می تواند منابع انسانی یا مادی را در موقع مناسب خود به طور موثر و در مسیر مناسب به کار گرفته و از تلف شدن آنها جلوگیری به عمل بیاورد.

یکی از مسائلی که تمامی تمدنهای گذشته و حال با آن در حال دست و پنجه نرم کردن هستند، مساله ی جنگ یا در اصطلاح فقهی جهاد است. جهاد گاهی در زمینه دفاعی و گاهی در زمینه تهاجم است. به جهاد دفاعی در اصطلاح نظامی پدافند و به جهاد تهاجمی یا ابتدایی در اصطلاح نظامی آفند اطلاق می شود. علیرغم اینکه واژه ی جهاد دو بُعد دارد ولی غالبا چیزی که در هنگام استفاده از واژه جهاد به ذهن می رسد همان بحث تهاجم یا آفند است.

با توجه به دقت های بسیار زیبای رهبری معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله عظمی خامنه ای مدظلله العالی، بحث جنگ و نبرد از حالت آفند و تهاجم به سایر حیطه ها تسری و عمومیت پیدا کرده است. عباراتی مثل جنگ دیپلماسی، جنگ تبلیغاتی، جنگ فرهنگی، جنگ قدرت، جنگ نرم و... که همگی در کنار جنگ نظامی یا جنگ تحمیلی قرار گرفتند دلالت بر این مدعا دارند. این اصطلاحات وسعت جهاد و جنگ را در زمینه های مختلف گوشزد کرده و لزوم اهتمام مردم و مسئولین را به این حوزه ها گوشزد می کند.

در همین راستا یکی از مطالبی که توسط ایشان به جامعه اسلامی ارائه شده است، بحث مدیریت جهادی است. از مطرح شدن بحث مدیریت جهادی در کنار مساله فرهنگ و اقتصادی می توان به اهمیت معنایی این واژه ی ترکیبی پی برد. چون باید ضمن مدیریت کردن مسائل و احوالات، حرکتی جهادگونه و ظاهرا جنگی صورت بگیرد که این حرکت شاید در ظاهر با مسائل مختلف از قبیل جنبه های فرهنگی یا اقتصاد و... تنافی داشته باشد.

در ضمن این نوشتار سعی کردیم ابتدا به مبانی کلی مدیریت که مرتبط با بحث است اشاره کرده و سپس برخی تقاطع های مدیریت را با مساله جهاد، اعم از معنای آفندی و پدآفندی تبیین و ریشه یابی کنیم.

لزوم تبیین مبانی و اصول

تبیین پیش فرضها و مبانی هر دانشی به ویژه در مباحث مدیریتی کلان، موجب می شود تصویر دقیق و صحیحی از آن دانش ایجاد شود. علاوه بر آن، تبیین مبانی در تعیین اهداف، عوامل، مراحل و شیوه ی کار یک مدیر نقش اساسی دارد. بدین رو پرداختن به مبانی دانش مدیریتی و خصوصا مدیریت جهادی امری اجتناب ناپذیر است.

واژه مبانی از ریشه بنا و به معنای پایه، بنیاد و زیرساخت است، پس هر چه موجب پیدایش ساختار شی می شود مبانی و پایه های آن به شما می رود. معادل انگلیسی واژه مبانی Fundamentals است که به همین معنای پایه، شالوده و بنیاد مورد استفاده قرار می گیرد[۳].

مبانی و اصول در اصطلاح به سلسله معارف نظری گفته می شود که جنبه های مختلف یک موضوع، از جمله جنبه های هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی آن را در بردارند. این معارف با بینش ها، باورها و احکام ناظر به هست و نیست ها سروکار دارند و پایه ها و زیرساخت های معرفتی علوم را تشکیل می دهند.

دو واژه ای که لازم است در این بحث به تبیین آنها پرداخت شود، مدیریت و جهاد می باشد که طی دو فصل جداگانه به آنها خواهیم پرداخت.

فصل اول مدیریت:

مفهوم شناسی مدیریت

هر چند برای مدیریت مکاتب متعددی وجود دارد که اکثر آنها بخاطر شرایط زمانی، اجتماعی و... تبیین و اجرایی شده اند، ولی در این بین، سه مکتب برجستگی خاصی پیدا کرده اند[۴]. با تغییر مکاتب، تعاریف مدیریت نیز بسیار متعدد شد به طوری که با جنگلی از تعاریف مواجه هستیم[۵]. اینکه بخواهیم برای مدیریت تعریفی جامع و مانع ارائه کنیم کاری بسیار دشوار است. زیرا علاوه بر اینکه مدیریت یک فرآیند است، حیطه کاری مدیر هم بسیار گسترده است تاحدی که در برخی موارد عناوینی ذیل آن قرار می گیرد که نمی توان به آن بدون توجه بود و در مواردی دیگر همان عنوان اصلا محل ابتلا نمی باشد. در بحث فعلی ما آنچه اهمیت بیشتری دارد توجه به مدیریت از نوع اسلامی و هدفدار آن است که در این مورد هم تعاریفی، مبتنی بر تعاریف کلی مدیریت یا تعاریف مستقل ارائه شده است که باز هم نمی توان در مورد این تعاریف به یک جمع بندی درست و کارآمد رسید.

تغییر معنای مدیریت به تغییر شرایط و مکان، موجب می شود که برای هر بستری نیازمند تعریفی جداگانه و مربوط به همان حوزه باشیم. بر این امر تغییر تعریف بواسطه ی نوع تفکر یا وجود فن مدیریت در افراد به صورت بالقوه هم بسیار دخیل است. امکان دارد فردی در نهان خود پارامترهای مدیریتی را داشته باشد و خصوصیات وی تحت هیچ تعریف ثابتی نگنجد چون به مقتضای هر زمان و مکان می توان تصمیمی درست اتخاذ کند.

همانطور که متذکر شدیم بارزترین خصوصیت یک مدیر موفق را می توان در خروجی کار وی جستجو کرد. اگر مدیری در مسیر ارتقاء سازمان یا افراد سازمان خود سعی و تلاش کرده باشد و به موقع از منابع انسانی و مادی خود بهره برده باشد، نتیجه ی کار وی هم اعتلای سازمان و افراد آن سازمان است. همین تزلزل در تعاریف نشان

---

[۳] New Oxford American Dictionary.

[۴] الف- کلاسیک ب- نئوکلاسیک ج- اقتضایی د- سیستمهای اجتماعی ه- نوگرایی.

[۵] برای نمونه در تنها در مکتب کلاسیک سه نوع مبنای برجسته وجود دارد الف- مدیریت علمی(فردریک تیلور) ب- مدیریت اداری (هنری فایول) ج- بروکراسی آرمانی (ماکس وبر).

می دهد که افراد در پی نتیجه بوده اند و برای رسیدن به این نتیجه مجبور به ترسیم یکسری مقدمات نظری شده اند.
آنچه به صورت کلی در مفهوم شناسی مدیریت می توان گفت این است که افعال یک مدیر باید شامل برنامه ریزی[۶]، سازماندهی[۷]، هدایت ورهبری[۸] و کنترل[۹] باشد. در مورد این سر فصل ها هم تعاریف متعدد و مختلفی ارائه شده است که به نظر بنده غیر ضروری است و لذا از طرح آنها خودداری می کنیم.
در نهایت به نظر می رسد تعریفی که بتوان برای مدیریت در نظر گرفت که معنایی تقریبا جامع و مانع داشته باشد چنین است: فرآیند به کارگیری موثر منابع مادی و انسانی برای تحقق اهداف سازمانی که این تعریف با بحث ما نیز سازگاری بیشتری دارد.

فصل دوم جهاد:

ماهیت جهاد

جهاد گرفته شده از جهد و در لغت به معنای کوشش و تلاشی است که با خرج حداکثر توان جسمی و تحمل مشقت همراه باشد[۱۰]. چنانچه در روایات ذکر شده و لغت هم موید آن است، جهاد ابعاد مختلفی دارد که جهاد به معنای مثبت وقتی محقق می شود که در راه خدا باشد. چون در مقابل این معنا، تلاش در راه اغراض دنیوی و اغراض شخصی نیز جهاد به حساب می آید[۱۱]. شاهد ما هم این است که در روایتی شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وارد شد و خود را مشتاق به جهاد معرفی کرد. حضرت وی را به جهاد در راه خدا تشویق کرده و به فواید دنیا و آخرت آن اشاره کردند[۱۲]. در مقابل روایتی دیگر از امام علی علیه السلام در مورد بی ارزش بودن جنگیدن برای مال، نام و شجاعت وارد شده است[۱۳]. علاوه بر اینها در قرآن کریم وقتی بحث جهاد مطرح می شود با اضافه ی جهاد به راه خدا معنای حقیقی و ارزشی آن تحقق پیدا می کند[۱۴].
جهاد مصادیق مختلفی از قبیل اجتهاد با مال، بدن، اعضاء، فکر و... دارد که بارزترین آن همان نبرد و جنگ فیزیکی در کارزار است. علت این تبادر هم شمول جهاد فیزیکی و جنگ نسبت به سایر مصادیق آن است. کسی که اقدام به جنگ در راه خدا میکند ناچار است با مشقت و سختی ترک خانه، خانواده، محل زندگی و تمامی علایق مادی خویش کنار بیاید. ضمن اینکه در این راه ناب ترین متاع مادی را در طبق اخلاص گذاشته و چشم از آن فروبسته است. البته در مقابل این از خودگذشتگی حیات دائمی این دنیا و شاهد بودن روز جزا را از خدا دریافت خواهد کرد.

---

[۶] Planning.
[۷] Organization.
[۸] Leadership.
[۹] Control.
[۱۰] در اکثر کتب لغت به این معنا اشاره شده است. برای نمونه ر.ک: صحاح، ج۲، ص۴۶۰ و مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۰۸و...
[۱۱] التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۲، ص: ۱۲۸.
[۱۲] بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۵۲.
[۱۳] بحارالانوار، ج ۹۷، ص۴۲.
[۱۴] برای مثال ر.ک: بقره، ۱۹۰ و مائده، ۳۵ و حج، ۷۸ و...

یکی از مسائلی که در حال حاضر مطرح است و تقریبا به صورت یک اصل کلی در جهان شروع به نهادینه شدن است، بحث جنگ سرد و بدون جنگ افزار است. بعد از اتمام دو جنگ بین المللی، دوران جنگ سرد شروع شد که دیگر خبری از اسلحه و مهمات در میان نبود و کشورها از راههای دیپلماسی شروع به حل کردن مسائل خود کردند، تا جاییکه برخی از کشورها نام وزارت جنگ خود را به وزارت دفاع تغییر دادند. البته در این بین بعضی کشورهای قلدرمآب هنوز هم برخلاف ادعای حقوق بشری خود اقدام به قتل عام مردم می کنند که این روش حتی در درون این کشورها نیز با انتقادات فراوانی مواجه شد.

همانطور که در جنگ نظامی ما باید تابع یکسری مقرارت و قوانینی باشیم تا بتوانیم پیروز شویم، در جنگ سرد هم باید مقرراتی وضع شود تا بتوان به مقصد نهایی رسید. البته چنانچه جنگ نظامی اشکال مختلفی مثل جنگ متعارف و غیر متعارف و... دارد، جنگ سرد نیز ابعاد مختلفی دارد که از جمله ی آن می توان به بعد اقتصادی که با تحریم اقتصادی محقق می شود یا در بعد فرهنگی که با تهاجم فرهنگی بوجود می آید و... اشاره کرد.

یک مدیر در دوران جنگ سرد به تناسب سمتی که دارد باید نسبت به التزامات آن واقف باشد تا بتواند در مواقع حساس تصمیمات درست و متقنی اتخاذ کند. چون بحث ما در اصول و مبانی کلی مدیریت جهادی است و صحبت ما با مدیران جهادی می باشد فلذا از ریز کردن مباحث اجتناب و فقط به کلیاتی که باید در زمینه مدیریت جهادی به آن توجه شود اشاره میکنیم.

ارکان مدیریت جهادی

یکی از مسائلی که در مدیریت مطرح می شود طبقات مدیریتی است[15]. این تقسیم طبقات از حیث نفوذ قدرت افراد در هرم مدیریتی می باشد که از کارمندان جزء تا مدیر کل یک سازمان را شامل می شود. در بحث جهاد یکی از مسائل مهم، وجود این هرم در مرحله اول، و در مرحله بعد فرمانبرداری از نقطه ی بالای سر می باشد. البته در بحث مدیریت به صورت کلی این امر حائز اهمیت است ولی در بحث مدیریت جهادی بخاطر اهمیت تصمیم های اخذ شده توسط مدیران سطح بالا و انتقال آن به طبقات پایین تر، رعایت آن به طریق اولی اهمیت بیشتری دارد. در اینجا به ما به ریز تقسیمات اشاره نمی کنیم و فقط ارکان مدیریت جهادی را به دو دسته کلی تقسیم می کنیم.

فرماندهی کل قوا[16]

به صورت کلی فرماندهی و مدیریت ارشد در هر بستر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. چنانچه در کوچکترین عضو اجتماعی یک جامعه، که همان خانواده است، پدر این مسئولیت را بر عهده دارد. در بحث ضرورت وجود یک فرمانده ی مطلق برای اقدام به جنگ در آیات و روایات موارد متعدد ذکر شده است. یکی از موارد آن چنین است أ لَمْ تَرَ إِلیَ الْمَلَا مِن بَنىِ إِسْرَ ءِیلَ مِن بَعْدِ مُوسیَ إِذْ قَالُواْ لِنَبىِ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا

---

[15] در علم مدیریت طبقات مدیریتی به سه دسته ی عملیاتی، میانی و عالی تقسیم می شوند که به نظر بنده ضرورتی برای طرح آن در اینجا وجود نداشت.

[16] مقصود ما از فرماندهی کل قوا در اینجا اعم از رسول اکرم صلی الله علیه وآله، ائمه معصومین علیهم السلام و ولی فقیه می باشد. بحث تعمیم این عنوان به ولی فقیه با پیش فرض این است که ولایت حضرات معصومین علیهم السلام با دلایل متقنی که در این زمینه وجود دارد به ولی فقیه داده شده است.

مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ[17]. آیا ندیدی آن گروه بنی اسرائیل را که پس از وفات موسی از پیغمبر وقت خود تقاضا کردند که پادشاهی برای ما برانگیز تا (به سرکردگی او) در راه خدا جهاد کنیم؛

یکی از بارزترین کارکردهای پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، ائمه هدی علیهم السلام و در کنار این بزرگواران، ولی فقیه، بحث عهده داری و مدیریت جهاد است. وجود فرمانده جنگی در صحنه جنگ اثرات فراوانی دارد که برای نمونه به این کلام امیرالمومنین علیه السلام اشاره می کنیم. ایشان در توصیف مدیریت و هدایت عملیات در جنگ صفین می فرمایند أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَعَثْتُ مُقَدِّمَتِي وَ أَمَرْتُهُمْ بِلُزُومِ هَذَا الْمِلْطَاطِ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرِي وَ قَدْ رَأَيْتُ أَنْ أَقْطَعَ هَذِهِ النُّطْفَةَ إِلَى شِرْذِمَةٍ مِنْكُمْ مُوَطِّنِينَ أَكْنَافَ دِجْلَةَ فَأُنْهِضَهُمْ مَعَكُمْ إِلَى عَدُوِّكُمْ وَ أَجْعَلَهُمْ مِنْ أَمْدَادِ الْقُوَّةِ لَكُمْ[18]. اما بعد من جلودارانی گسیل داشتم ام و به آماده ماندن در کناره فرات تا دریافت دستور بعدی، دستورشان داده ام. اینک بر این اندیشه ام که با شکافتن آب و عبور از آبراهه خود را به دیگر رزمندگان برسانم و آن گاه با بسیج گسترده و پیوسته تمامی شماها و آنها برای یک یورش همه جانبه به دشمن سود جویم. در این مورد مثالهای متعددی وجود دارد که از ذکر آنها پرهیز می کنیم.

چنانچه در فصل اول گذشت یکی از مسائلی که یک مدیر در سازمان خود به عهده دارد این است که وظیفه هدایت و رهبری آن سازمان و افراد تحت فرمان خود را به عهده بگیرد. در بالاترین قسمت مدیریت یک جامعه، باید کسی قرار داشته باشد که حائز شرایط شرعی، سیاسی، اجتماعی و... باشد تا بتواند در پرتوی این مسائل، امور را به درستی ساماندهی کند. در تعالیم اسلام شرایط متعددی برای یک فرمانده نظامی در سطوح مختلف شمرده شده است که به علت عدم مناسبت با بحث از ذکر آنها خودداری می کنیم[19].

رده های بعدی فرماندهی

در کنار فرماندهی کل قوا، رده های بعدی فرماندهی و مدیرتی وجود دارند که به نسبت قرار گرفتن در هرم مدیریتی حیطه و نوع مسئولیت آنها با هم فرق می کند. مهم ترین مسئولیت این افراد در وهله اول فرمانبرداری از مقام ارشدشان است. در قضیه جنگ احد و تخلف عده ای از لشکریان رسول خدا صلی الله علیه وآله دیدیم که چه مشکلاتی برای سپاه اسلام به وجود آمد و نتیجه جنگ به کلی متحول شد. البته در مورد حقوق متقابل رده های مختلف فرماندهی و فرمانده ی کل مسائلی مطرح شده که از آن جمله به کتمان نکردن مسائل غیر از اسرار جنگ، مشورت جز در مورد امور شرعی، کوتاهی نکردن در حقوق و... از جانب فرمانده و سرپیچی نکردن، سستی نکردن، تلاش کردن و... از جانب فرماندهان رده ی بعدی اشاره کرد[20].

اقسام جهاد

جهاد به طور کلی به دو قسم آفندی یا ابتدایی و پدافندی یا دفاعی تقسیم می شود. جهاد در آفند به معنای حمله کردن وتهاجم به جبهه دشمن، و جهاد در پدافند به معنای دفاع کردن در مقابل حمله دشمن می باشد. در فقه به جهاد در پدافند، جهاد دفاعی و به جهاد در آفند، جهاد ابتدایی گفته می شود[21]. در مدیریت جهادی، نیاز به شناخت

---

[17] بقره، ۲۴۶.

[18] نهج البلاغه، خطبه ۴۸.

[19] نهج البلاغه، نامه ۵۳ و همان، نامه ۵۹ و همان، نامه ۵۶ و همان، نامه ۴ و...

[20] ر.ک نهج البلاغه، نامه ۵۰ و همان، خطبه ۳۴.

[21] فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج۳، ص: ۱۴۰.

احکام جهاد دفاعی برای مقابله با تهاجمات دشمن اعم از نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... و آشنایی با احکام جهاد ابتدایی برای بدست گرفتن تدبیر امور و درآمدن از انفعال بسیار ضروری است. در جبهه ای که در حال جهاد پدافندی هستیم مجبوریم زیر آتش مستقیم و غیر مستقیم دشمن و بدون وجود سنگر و مامن به جنگ بپردازیم ولی در جبهه ی جهاد آفندی تدبیر امور به دست ماست و دشمن مجبور است برای مقابله با ما، عِده و عُده ی بیشتری خرج کند. بر جهاد ابتدایی و دفاعی احکام متعددی متفرع می شود که به برخی از آنها که مرتب با بحث ما هستند خواهیم پرداخت. بخاطر اهمیت بحث جهاد ابتدایی که ام الباب بحث جهاد، همین جهاد است، ابتدا به احکام این جهاد پرداخته و سپس سراغ برخی احکام جهاد دفاعی خواهیم رفت.

جهاد ابتدایی :

همانطور که گذشت جهاد ابتدایی، نوعی اقدام پیشگیرانه در مقابل حرکت احتمال دشمن به حساب می آید که با حمله به تاسیسات و استحکامات نظامی، عقیدتی، فرهنگی و... محقق می شود. این نوع جنگ اگر با محاسبه شکل بگیرد می تواند منشاء اثرات مهم و متعددی باشد چون اولا در این جنگ ابتکار عمل بخاطر برنامه ریزی قبلی دست مهاجم است و ثانیا گروهی که مورد تهاجم قرار گرفته است در زیر حملات و یورشهای مهاجم مجبور به انفعال شده و مجبور به پذیرش شرایط یا حداکثر با دادن تلفات انسانی و مادی بسیار موفق به متوقف کردن دشمن شود.

گفتیم که با دوران رکود جنگ نظامی، خلاصه کردن جهاد در امور نظامی اشتباه است و باید اصول این نوع جهاد را در سایر ابعاد زندگی بشر نیز پیاده کنیم. در روایات و کتب فقهی شرایط متعددی برای جهاد نام برده شده است که به برخی از آنها که علاوه بر تناسب با بحث، قابل اجرا در سایر عرصه ها هم هستند، به صورت گذرا اشاره می کنیم.

مشروعیت جهاد ابتدایی

یکی از شرایطی که در جهاد ابتدایی وجود دارد و اصلا ریشه آن به حساب می آید بحث اجازه گرفتن از امام عادل یا جانشین ایشان است. در این باره روایات متعدد با مضامین بلند معنایی و لفظی وارده شده است که به یکی از آنها که به نظر بنده عمده ی مطلب را در عبارات بسیار کوتاه در بردارد اشاره خواهیم کرد.

امیر بیان علی علیه السلام چنین می فرمایند عَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَعَ كُلِّ إِمَامٍ عَدْلٍ[22]. بر شما باد جهاد در راه خدا همراه با هر امام عادلی.

در جامعه اسلامی ما که حکومت به دست ولی فقیه می باشد اگر مدیری بخواهد اقدام به حرکتی بکند حتما باید منضم به رضایت و اجازه رهبری باشد و اگر بداند این امر مخالف با خواسته ایشان است مشمول عواقب تخلف از فرمانده جنگ می شود. پس رکن اصلی در مدیریت جهادی تطابق رفتار وگفتار یک مدیر با رهبری و به معنایی دیگر ولی فقیه در این زمان می باشد. در مورد عدم جواز اذن جهاد با حکم حاکم جائر هم روایات متعدد وارد شده است که برای اختصار از ذکر آنها صرف نظر می کنیم[23].

---

[22] بحارالانوار، ج۹۷، ص۵۰.

[23] برای نمونه ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۸، ص۲۳۹ و همان، ج۲۵، ص۷۴ و...

داشتن نیرو و امکانات و تجهیزات

یکی از شرایطی برای جهاد ابتدایی در روایات به آن اشاره شده است بحث مبسوط الید بودن امام علیه السلام است. اگر امام در بدست آوردن تجهیزات اعم از عِدّه و عُدّه در مضیقه باشد نمی توان اقدام به جهاد ابتدایی کرد. یک مدیریت جهادی باید این امور را در نظر گرفته و ابتدا به ظرفیتهای داخل کشور توجه کند. اگر در داخل کشور این ظرفیت وجود داشت که مثلا شروع به حمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... علیه دشمن کند باید اقدام به این کار کند وگرنه نباید جایگاه ولی فقیه و مردم جامعه را با ارتکاب افعالی نسنجیده به خطر بیاندازد. در همین باره از حضرت رسول نقل شده که علت دوری گزیدن ایشان از جنگ با قریش در ابتدای دعوت به اسلام همین امر بوده است که ایشان از لحاظ نفرات و امکانات مالی در محدودیت قرار داشتند[۲۴]. یا وقتی از امام رضا علیه السلام در مورد خانه نشینی امام علی علیه السلام سوال شد ایشان در جواب مساله نداشتن یاور ایشان را به حال رسول اکرم صلی الله علیه وآله تشبیه کردند و خودداری مردم از یاری را علت اصلی خانه نشینی ایشان مطرح می کنند[۲۵].
روایات در این باب زیاد است که از ذکر همه ی آنها بخاطر رعایت اختصار خودداری می کنیم.

دعوت از جامعه غیر مسلمان و اصل مسالمت

یکی از وظایفی که مدیران در زمینه کارهای جهادی بر عهده دارند این است که از قبل شروع حمله یا آفند نسبت به افعال نادرست مخالفان توضیح داده و آنها را هوشیار کنند[۲۶]. بحث هوشیار کردن همان ارائه راهکارهای دینی و اسلامی برای گرایش آنها به دین اسلام است که در روایات نیز به آن اشاره شده است. در یکی از اوامر جهادی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمومنین علیه السلام چنین آمده است: َ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى الْيَمَنِ وَ قَالَ لِي يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَداً حَتَّى تَدْعُوَهُ وَ ايْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَلَاؤُهُ يَا عَلِيُّ[۲۷]. حضرت علی علیه السلام نقل می کند که، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله مرا به یمن فرستادند و فرمودند ای علی با احدی نمی جنگی مگر اینکه قبل از جنگ، او را به اسلام دعوت کنی. اگر خداوند یک نفر را به وسیله دعوت تو به اسلام، هدیت کند برای تو بهتر است از آنچه خورشید برای آن طلوع و غروب میکند و تو بر آن ولایت داشته باشی. چند روایت در این باب وارد شده است که برای اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم[۲۸].
چنانچه مشاهده شد درست است اقدام به جهاد ابتدایی لازم و در برخی موارد واجب است ولی این امر پیش شرطهایی دارد که به برخی از آنها که مرتبط به بحث مدیریتی ما بود اشاره کردیم.

---

[۲۴] بحارالانوار، ج ۹۷، ص۴۳.

[۲۵] وسائل الشیعه، ج۱۵، ص ۸۸

[۲۶] در مورد کیفیت دعوت به اسلام هم در روایات اشاراتی شده است که چون بحث به درازا می کشد از ذکر آنها خودداری کردیم. برای نمونه ر.ک: کافی، ج۵، ص ۳۶ و ...

[۲۷] بحارالانوار، ج ۲۱، ص۳۶۱.

[۲۸] برای نمونه ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص۳۱ و همان، ج ۱۱، ص ۳۱ و ...

جهاد دفاعی

همانطور که ذکر شد جهادی دفاعی، جهادی است که در مقابله ی با دشمن به کار می رود و به نوعی جامعه ی اسلامی را در انفعال قرار می دهد. علل وجود انفعال در یک جامعه متعدد است که از بحث ما خارج است ولی انفعال به این معنا نیست که ما دست از تلاش کشیده و موج سواری را انتخاب کنیم و بگوییم هر چه پیش آید خوش آید. در روایات علل و ثمراتی برای جهاد دفاعی نامبرده شده که به اختصار مورد اشاره قرار خواهیم داد.

وجوب دفاع برای جلوگیری از فساد و تباهی :

یکی از مباحثی که از چند وقت قبل مورد توجه رهبری انقلاب قرار داشت بحث جنگ فرهنگی بود. جنگ فرهنگی یا تهاجم فرهنگی یکی از مقوله های زمان بر در تاثیر و در عین بسیار موثر در یک جامعه می باشد. تعبیر رهبری از فرهنگ به اکسیژن و هوا، تعبیری بسیار دقیق و در عین حال خطرناک است. تاثیری که فرهنگ در یک جامعه می تواند داشته، تاثیری بسیار عمیق است که به توجه به بار معنوی آن می تواند مخرب یا سودمند باشد. یکی از وظایف مدیران جهادی در جهاد دفاعی مقابله با همین امر است. اینکه مدیریت جهادی در کنار بحث فرهنگ ذکر شده است نشان از این دارد که مدیران ما در بحث فرهنگی به خوبی عمل نکرده اند. اینکه برخی مطرح می کنند ما در جامعه نیاز به واکسینه داریم نه استریلیزه، با توجه به تعالیم اسلامی تعبیری درستی نیست. چنانچه در بعد نظامی هم برخی می گفتند بگذارید دشمن داخل کشور بعد به صورت گازانبری او را از بین می بریم. وقتی گذاشتیم میکروب خطرناک، تفکر خطرناک، دشمن خطرناک وارد جامعه شود، تا بخواهیم اثرات سوء آن را از بین ببریم کل بنیاد جامعه از بین خواهد رفت. بله درست است که در اسلام به خودسازی معنوی امر شده است ولی در کنار آن امر به معروف و نهی از منکر نیز واجب شده که باید به هر دوی اینها با هم توجه داشته باشیم.
در قرآن کریم در این مورد چنین میخوانیم وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعالَمين[۲۹]. و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد قطعا زمین تباه می گردید. چنانچه بدن به گلوبول قرمز نیاز دارد باید با گلوبول سفید هم باشد تا میکروبها را از بین برده و اثرات مخربی که از ورود احتمالی آنها بر بدن باقی می ماند را معدوم کند. اگر جامعه فقط نیاز به واکسینه شدن داشت، وجود نیروهای نظامی و انتظامی در یک جامعه امری بیهوده و لغو بود، در حالیکه می بینیم در پیشرفته ترین تمدنها هم نیروهایی برای برقرار نظم اجتماعی در یک جامعه وجود داشته و دارند.
خلاصه اینکه یک مدیر جهادی وقتی در کار خود موفق است که بتواند با اتخاذ تدابیری نسبت به ایمن سازی فرهنگ یک جامعه تلاش کرده و از جابجا شدن هنجارها و ناهنجاریها بجای هم جلوگیری کند.

وجوب دفاع برای حفظ معنویت و عبودیت

یک از مسائلی که در مدیریت های کلان طی چند ساله ی اخیر مورد اشاره قرار گرفته بحث معنویت درکار است. بحث معنویت در کار غیر از بحث اهتمام مدیران نسبت به کارهای فرهنگی است. بحث فرهنگ از مولفه های متعددی تشکیل شده که یکی از آنها بحث معنویت و دین است. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که هر چند

---

[۲۹] بقره، ۲۵۱.

معنویت و دین جزء فرهنگ است ولی جزء اساسی آن به شمار می رود و باید بیشتر بـه آن توجـه کـرد. فلـذا بـرای معنویت در این نوشتار یک فصل جداگانه ترسیم کردیم.
در قرآن کریم نسبت به حفظ نشانه های عبودیت و حفظ معنویت در کار این آیه مبارکـه وارد شـده اسـت. خداونـد در قرآن کریم می فرماید: وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثيراً وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزيزٌ[30]. و اگر خداوند بعضـی از مـردم را بوسیله بعضـی دیگـر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی کـه نـام خـدا در آن بسـیار بـرده مـی‌شـود، ویـران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند و از آیینش دفاع نمایند یاری می‌کند؛ خداوند قـوی و شکسـت ناپـذیر است.
در این آیه به مصادیق مهم عبودیت و معنویت که همان محل عبادت خداوند است اشاره و نسبت به تکـریم، مرمـت و دفاع از آن تاکید شده است. حضرات معصومین علیهم السلام مصادیق متعددی از حفـظ معنویـات را مجاهـدت در راه خدا نامگذار کرده اند که برای نمونه به تعدادی از آنها به صورت تیتروار اشاره خواهیم کرد.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرَفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ[31]. حضرت رسول اکردم صـلی الله علیـه وآله می فرمایند: حاملان قرآن عرفاء بهشت و مجاهدان در راه خدا هستند.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْمُؤَذِّنِ فِيمَا بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ الْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى[32]. رسـول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرمایند: برای شخص اذان گو در فاصله اذان و اقامه، ثوابی مانند ثواب شـهید کـه در راه خدا در خون خود می غلطد وجود دارد.
قال ابی عبدالله علیه السلام أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ الْمُنْفِقَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ[33]. از چیزهـایی که خدا به شما داده انفاق و بخشش کنید چرا که انفاق کننده، همانند کسـی اسـت کـه در راه خـدا مشـغول جنـگ و جهاد است. در این باب روایات بسیار زیاد است که برای خارج نشدن از بحث اصـلی و اختصـار از ذکـر همـه آنهـا خودداری کردیم[34].
پس یکی دیگر از اصول مدیریت جهادی حفظ و کوشش در راه تعالی فرهنگ دینی و اسـلامی در جامعـه، خصوصـا محل کار وی می باشد.

لزوم پایداری در جهاد

یکی از مسائلی که باید به آن توجه داشت بحث پایداری در جهاد و مقابلـه بـا عوامـل داخلـی و خـارجی اسـت کـه برای ضربه زدن به جامعه اسلامی بسیج شده اند. اگر کار به جایی رسید که یک مدیر در جامعـه بگویـد چـون کسـی به حرف گوش نمی دهد یا نه گوشی می دهند ولی تاثیری ندارد پس من هم کنار می کشیم، باید گفت ایـن مـدیر از در زمینه جهاد و مدیریت جهادی نالایق است. در محلی که تدبیر امور به دست شماست و شما به عنـوان یـک مـدیر در حال انجام وظیفه هستید با انواع ابزارها می توان کم و بیش تاثیر گذاشت.

---

[30] حج، ۴۰.
[31] بحار، ج ۸، ص ۱۹۹.
[32] بحار، ج۸۱، ص ۱۴۷.
[33] بحارالانوار، ج ۹۳، ۱۲۰.
[34] برای مثال ر.ک: بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۱۴۹ و همان، ، ج ۸۹، ص ۳۲۶ و همان، ج ۸۹، ص ۳۲۷ و همان، ج۹۶، ص ۸۲ و...

مثلا اگر در بین کارکنان اداره ای بحث حجاب یا اختلاط مرد و زن وجود دارد، مدیر آن قسمت یا سازمان بـا توکـل به خداوند متعال و اتخاذ تصمیماتی راهگشا، می توان به راحتی این امر را مدیریت کند و بر این مشـکل فـائق بیایـد. در همین مورد خداوند متعال در قرآن کریم می فرمایند يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُـواْ إِذَا لَقِيـتُمْ فِئَـةً فَـاثْبُتُواْ وَ اذْكُـرُواْ اللَّـهَ كَثِيـرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُون[35]. ای اهل ایمان! هنگامی که در میدان نبرد بـا گروهـی برخـورد کردیـد، ایسـتادگی نماییـد و خـدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.

کسی نگوید این آیات مربوط به جهاد نظامی است و ربطی به بحث ما ندارد. همـانطور کـه قـبلا گفتـیم ایـن حـرف درست نیست و جنگ و جهاد در راه خداوند مصادیق و ابعـاد مختلفـی دارد کـه یکـی از آنهـا مقابلـه بـا منکـرات و ترویج معروف است و چنانچه در میدان نبرد نظامی صبر و تلاش لازم است در میـدان جنـگ فرهنگـی و غیـره هـم باید یک مدیرجهادی از خود صبر و تلاش نشان دهد تا اهداف مدنظرش برسد.

قرآن کریم در وصف کسانیکه ضمن توکل به خداوند بلند مرتبه، در را خدا صبر و مقاومت پیشه می کنند چنـین مـی خوانیم إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَبرُونَ يَغْلِبُواْ مِائَتَينْ وَ إِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ يَغْلِبُواْ أَلْفًا مِّـنَ الَّـذِينَ كَفَـرُواْ بِـأَنَّهُمْ قَـوْمٌ لَّـا يَفْقَهُون[36]. اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شـما صـد نفـر صـابر باشـند بـر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند که حقایق توحید و حالات ملکوتیّه را نمی‌فهمند.

در همین باره مقام معظم رهبری می فرمایند معیار جهاد شمشیر و میـدان جنـگ نیسـت. معیـار جهـاد همـان چیـزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه ی مبارزه وجود دارد. فلانی آدم مبارزی است. فلانـی آدم مبـارزی نیسـت. نویسنده ی مبارز، نویسنده ی غیر مبارز. عالم مبارز، عالم غیر مبـارز. دانشـجوی مبـارز و طلبـه ی مبـارز، دانشـجوی غیرمبارز و طلبه ی غیرمبارز. جامعه ی مبارز و جامعه ی غیرمبارز. پس جهاد یعنی مبارزه.

در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در آن جد و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخـواب یـا در پسـتوی خانه که نمی‌تواند مبارزه کند، در مبارزه باید جد و جهدی وجود داشته باشد... دوم اینکه در مقابلش دشمنی باشد.

مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن اسـت... اگـر کسـی علیـه دوسـت جـد و جهد کند این جهاد نیست بلکه فتنه و اخلال است. اگر کسی در مقابل دولت حق در مقابل صلاح و نظـام حـق جـد و جهد و تلاش کند این فتنه و محاربه است، جهاد نیست. حالا این جد و جهدی که انجام مـی‌گیـرد بـه هـر شـکلی باشد چه به شکل نوشتن، گفتن، کتاب و چه به شکل شب‌نامه، شایعه پراکنـی، نـق زدن و منفـی بـافی همـه اش فتنـه گری و اغواگری و بعضی از اشکالش محاربه است. اگر همه ی این‌ها در مقابل دشمن خدا و دشمن علـی لسـان الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم السلام باشد می‌شود جهاد فی سبیل الله. پیغمبر صلی الله علیه وآله بـه ایـن‌گونـه جهـاد دعوت می‌کند. پس تنبلی و نشستن و بیکارگی و بی اهتمامی از امت پیغمبر خواسته نیست. جهاد دایم[37].

متاسفانه یکی از مسائلی که در جامعه امروز کمرنگ شده و در بحث قبلی هم آن اشـاره کـردیم، معنویـات اسـت کـه وقتی در برخورد با مشکلی می گوییم توکل به خدا کن نیشخند می زنـد ولـی واقعـا چنـین اسـت کـه ایـن افـراد از مصادیق قوم لایفقهون هستند که در این آیه مبارکه به آن نیز اشاره شده است. البته توکل به خداونـد متعـال همـراه بـا صبر مجاهدان معنا پیدا میکند. یعنی اگر همه میدان را خالی کردند و گفتند توکل به خدا هـر چـه شـد، ایـن درسـت

---

[35] انفال، ۴۵.

[36] انفال، ۶۵.

[37] رهبر انقلاب در شروع درس خارج فقه ۷۳/۶/۲۰ به نقل از Leader.ir.

نیست. خداوند متعال ابتدا در آیه به همت مسلمانان اشاره می کند و در ادامه می گوید اگر استقامت کردید خداوند هم به یاری شما می آید.
خلاصه این بند اینکه یک مدیر جهادی در نیل به اهداف عالیه خودش و سازمانش تحت مدیریتش ابتدا باید توکل به خدا و سپس کوشش و پشتکار از خود نشان دهد تا بتوان بر مشکلات پیروز شود.

مقابله با تبلیغات و جنگ روانی دشمن

یکی از مسائلی که می تواند بین دو نیروی متخاصم تاثیر بیشتری حتی از لحاظ مسائلی نظامی داشته باشد بحث تبلیغات و جنگ روانی است. به طور خلاصه جنگ روانی به اقدامات برنامه ریزی شده جهت نفوذ در عقاید، احساسات، حالات و رفتار اطلاق می شود.
از آغاز پیدایش اسلام این امر توسط مشرکین تحقق پیدا کرد تا جاییکه خداوند متعال در قرآن کریم چنین می فرماید وَدَّ کَثِیرٌ مِّنْ أَهْلِ الْکِتَابِ لَوْ یَرُدُّونَکُم مِّن بَعْدِ إِیمَانِکُمْ کُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ[۳۸]. بسیاری از اهل کتاب آرزو دارند که شما را از ایمان به کفر برگردانند به سبب رشک و حسدی که در نفس خود بر ایمان شما برند بعد از آنکه حق بر آنها آشکار گردید. یا مثلا در جنگ احد ابتدا ابوسفیان دست به تخریب روحیه مسلمین زد که پیامبر صلی الله علیه وآله به مقابله با وی پرداختند[۳۹] یا در همین جنگ دشمن این شایعه را پراکنده کرد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله کشته شده اند و...
در مقابل قرآن کریم علاوه بر اینکه جواز جنگ روانی متقابل را به مسلمانان داده است[۴۰] خود نیز به مقابله با آنها پرداخته و می فرماید غُلِبَتِ الرُّومُ * فِی أَدْنَی الْأَرْضِ وَ هُم مِّن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ * فِی بِضْعِ سِنِینَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَ مِن بَعْدُ وَ یَوْمَئذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ یَنصُرُ مَن یَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ *[۴۱]. رومیان، مغلوب (فارسیان) شدند.* در (جنگی که به) نزدیکترین زمین (به دیار عرب واقع شد که حوالی شام یا اطراف جزیره باشد) و آنها پس از مغلوب شدن فعلی به زودی (بر فارسیان) غلبه خواهند کرد.* (این غلبه رومیان) در اند سالی خواهد شد (و بدانید که این حادثه و) کلیه امور عالم از قبل از این و بعد از این همه به دست خداست، و آن روز (که رومیان فاتح شوند چون بعد از آن خدا وعده یاری به اهل اسلام داده) مؤمنان شاد می‌شوند. * به یاری خدا، که خدا هر که را بخواهد نصرت و فیروزی می‌بخشد و اوست که مقتدر و مهربان است.
یا در جایی دیگر می فرماید لَّئن لَّمْ یَنتَهِ الْمُنَفِقُونَ وَ الَّذِینَ فیِ قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فیِ الْمَدِینَةِ لَنُغْرِیَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لَا یجَُاوِرُونَکَ فِیهَا إِلَّا قَلِیلًا[۴۲]. البته اگر منافقان و آنان که در دلهاشان مرض است و هم آنها که در مدینه تبلیغات سوء می کنند دست نکشند ما هم تو را بر آنها بر انگیزیم که از آن پس جز اندک زمانی در مدینه در جوار تو زیست نتوانند کرد.
یکی از وظایف مدیر جهادی در مواجه با تهاجمات فرهنگی و معنوی بیشمار، مقابله با آنها است. یک مدیر باید به مقتضای هر موضوع تصمیم درستی اتخاذ کند تا بتواند سازمان و افراد تحت تکفل خود را از آسیب های آن عملیات روانی نجات دهد.

---

[۳۸] بقره، ۱۰۹.
[۳۹] بحارالانوار، ج۲۰، ص۲۳.
[۴۰] بقره، ۱۹۴.
[۴۱] روم، ۲ تا ۵.
[۴۲] احزاب، ۶۰.

البته مقابله به این معنا نیست که به هر کاری دست بزنیم. یکی از مسائلی که در قرآن هم به آن اشاره شده است بحث جدال احسن است[43]. در همین رابطه امام علی علیه السلام می فرمایند إِنِّی أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصْوَبَ فِی الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِی الْعُذْرِ فَقُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنِهِمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مَنْ جَهِلَهُ وَ يَرْعَوِیَ عَنِ الْغَیِّ وَ الْعُدْوَانِ مَنْ لَهِجَ بِهِ[44]. من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را تعریف و حالات آنان را بازگو می کردید به سخن راست نزدیکتر و عذر پذیرتر بود، خوب بود بجای دشنام آنان می گفتند: خدایا خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنها اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند، و آنان که با حق می ستیزند پشیمان شده به حق بازگردند.

تخلفات یک مدیر جهادی

تا اینجا مواردی که یک مدیرجهادی ملزم به رعایت آنهاست را به طور خلاصه ذکر کردیم. در این بخش که قسمت نهایی این نوشتار است به یکی از عواقب تخلف از وظایف مدیریتی یک مدیر اشاره خواهیم کرد. شایان ذکر است که تشخیص مصادیق و تعیین عنوان مجرمانه بر فعل خاص، به عهده ی مسئول ارشد مرتبط با این فرد است. بحث جهاد گریزی یا ترک کردن کارزار جنگ یکی از مصادیق مجرمانه ای است که برای هر فرمانده جنگ قابل تصور است. چنانچه این امر در جبهه ی جنگ نظامی بازخوردهایی دارد، در جبهه جنگ غیر نظامی هم چنین است. در این جا ابتدا ما در مورد جهاد گریزی توضیحاتی ارائه و سپس به برخی از عوامل بستر ساز و مانع آن به صورت تیتروار اشاره خواهیم کرد.

تبیین جهادگریزی

از شرایط یک مدیر جهادی این بود که در جهت رسیدن به اهداف کمال سعی و تلاش خود را به کار گرفته و از مسئولیتی که به وی داده شده شانه خالی نکند. یکی از مسائلی که به وفور در جامعه وجود دارد و اختصاصی هم به مدیران ما ندارد بحث عدم مسئولیت پذیری در قبال اتفاقاتی است که در جامعه رخ می دهد. این اتفاقات گاهی در بعد فرهنگی است و گاهی در بعد اقتصای و... در جامعه ایی پویا، افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت پذیرند و اشتباه یا غفلتی که از فردی سر می زند برای آنها مهم است.

در یک سازمان یا مجموعه وقتی مدیر، نسبت به ارتکاب کارهای خلاف شرع و یا حتی عرف هیچ عکس العمل مناسبی از خود نشان ندهد، سبب می شود که یک ناهنجاری تبدیل به هنجار شده و این امر چون در محیط اداره و سازمان ترمیم یا اصلاح نشده نسبت به سایر طبقات اجتماع نیز تسری پیدا کند.

شاید کسی اشکالی مطرح کند و بگوید که آیا می شود فردی که در خانواده، جامعه و... تربیتی متفاوت دارد در اداره انتظار دیگری از او داشت یا او را برخلاف شیوه و روش زندگی چندین ساله اش تربیت کرد؟! در یک مثال ساده می گوییم بله می شود. وقتی فردی که تا سن جوانی تا ظهر می خوابیده، حالا که استخدام شده مجبور است

---

[43] نحل، ۱۲۵.

[44] نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶.

ساعت هفت و سی دقیقه صبح انگشت خود را روی دستگاه کارتکس بگذارد چطور همین فرد را نمی توان برای کارهای دیگر آماده کرد؟! در این جنبه بحث زیادی وجود دارد که فقط میخواستیم جلوی اشکال مقدر گرفته شود.
در قرآن کریم نسبت مقابله و فرار نکردن در مقابل دشمن چنین می خوانیم يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُواْ زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَار[۴۵]. ای اهل ایمان! هنگامی که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی می‌کنند روبرو می‌شوید، به آنان پشت نکنید و نگریزید. ذیل این آیه از امام رضا علیه السلام روایتی وارد شده که بخاطر زیبایی فرازهای آن و ارتباطی که با بحث ما داشت کل روایت را ذکر می کنیم.
أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ حَرَّمَ اللَّهُ الْفِرَارَ مِنَ الزَّحْفِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْوَهْنِ فِي الدِّينِ وَ الِاسْتِخْفَافِ بِالرُّسُلِ وَ الْأَئِمَّةِ الْعَادِلَةِ وَ تَرْكِ نُصْرَتِهِمْ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ الْعُقُوبَةِ لَهُمْ عَلَى تَرْكِ مَا دُعُوا إِلَيْهِ مِنَ الْإِقْرَارِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ إِظْهَارِ الْعَدْلِ وَ تَرْكِ الْجَوْرِ وَ إِمَاتَةِ الْفَسَادِ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنْ جُرْأَةِ الْعَدُوِّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ مَا يَكُونُ فِي ذَلِكَ مِنَ السَّبْيِ وَ الْقَتْلِ وَ إِبْطَالِ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ غَيْرِهِ مِنَ الْفَسَادِ[۴۶]. ابی الحسن الرضا علیه السلام در جواب نامه ای که به ایشان نوشته بود و سوالات در ضمن آن مطرح شده بود چنین فرمودند که حرام کرده است خدا فرار کردن از جهاد را زیرا که در فرار از جهاد است وهن در دین و استخفاف پیغمبران و پیشوایان عدول و نصرت ندادن ایشان را بر اعداء و صدمه زدن بر ایشان چه این عمل موجب انکار ادعاهای ایشان شود از قبیل اقرار بربوبیت و اظهار عدل و ترک جور و رفع ستم و فساد نکردن. و نیز در فرار از جهاد است جرات پیدا کردن دشمنان بر مسلمانان و اسیر کردن ایشان و قتل مسلمانان و ابطال دین خدا و غیر اینها از مفاسدی که مترتب خواهد شد.
از این مضامین بلند این روایت به راحتی می توان به ناشایستی خالی کردن میدان پی برد. اشاره امام رضا علیه السلام در این روایت معطوف به بعد فرهنگی مساله می باشد که بسیار در جامعه محل نیاز و ابتلا است. فرار کردن از جهاد فرهنگی توسط یک مدیرجهادی به مراتب زیان آورتر و بدتر از یک عنصر خرد در اداره است.

عوامل فرار از میدان

خداوند متعال نسبت به بازخورد جهادگریزی در ادامه آیات قبل هشدار داده و می فرماید وَ مَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيزًا إِلىَ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ مَأْوَئهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ المصِير[۴۷]. و هر کس در آن موقعیت به آنان پشت کند و بگریزد سزاوار خشمی از سوی خدا شود و جایگاهش دوزخ است ودوزخ بازگشت‌گاه بدی است مگر اینکه گریزش برای انتخاب محلی دیگر جهت ادامه نبرد بادشمن، یا پیوستن به گروهی تازه نفس از مجاهدان برای حمله به دشمن باشد.
در مورد عواقب گریز از جهاد آیات و روایاتی فراوانی وجود دارد که مشتمل بر معانی مثل عذاب دردناک[۴۸]، حبط اعمال[۴۹]، زمینه ساز کفر[۵۰]، سبب ذلت و سرشکستگی[۵۱]، خشم الهی و ننگ ابدی[۵۲] و... هستند.

---

[۴۵] انفال، ۱۵.
[۴۶] تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص: ۱۳۸ و ۱۳۹.
[۴۷] انفال، ۱۶.
[۴۸] توبه، ۹۰.
[۴۹] محمد، ۳۳.
[۵۰] محمد، ۳۴.
[۵۱] نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

نتیجه اینکه یکی از معضلات مدیران در جامعه کنونی عدم برخورد با مسائل ضد ارزش در محیط کاریشان است که این امر جهت های مختلفی از قبیل تاثیر پذیری از تبلیغات دشمنان[۵۳]، وسوسه های شیطان[۵۴]، دنیا طلبی[۵۵]، عدم اطلاع، اباحی گری و... دارد.
در مورد مصادیق افرادی که از جنگ فرار می کنند هم در آیات نمونه های بسیاری نقل شده که برای مثال می توان به اشراف و ثروتمندان[۵۶]، منافقان[۵۷]، پیمان شکنان با خدا[۵۸] و... اشاره کرد.

عوامل ماندن در میدان

همانطور که فرار از میدان نبرد اعم از فیزیکی و غیر آن علل و اسبابی دارد، ماندن در میدان نبرد هم عوامل متعددی دارد که در اینجا به یکی از مهم ترین آنها اشاره خواهیم کرد.
خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذَا كَانُواْ مَعَهُ عَلىَ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُواْ حَتىَ يَسْتَْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِینَ يَسْتَْذِنُونَكَ أُوْلَئكَ الَّذِینَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لهَُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيم[۵۹]. مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمّی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند؛ کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، براستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهمّ خود از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است!
مرحوم علامه طباطبایی ذیل این آیه چند مطلب اساسی در مورد کسانی که در امر جهاد شرکت می کنند متذکر می شوند[۶۰]. الف- مومنان در این آیه کسانی هستند که به معنای واقعی کلمه به خدا و رسولش ایمان دارند تا جاییکه قلوب و نفوسشان در اختیار رسول خداست. ب- مومنانی که همراه رسول خدا برای انجام امری همراه شده اند بدون اجازه ایشان نه پیش می روند نه بر می گردند مگر اینکه اجازه بگیرند. ج- در مقابل سوال مومنان رسول خدا صلی الله علیه وآله مختار است که پاسخ مثبت یا منفی بدهد.
با توجه به این مطالبی که در جهت تبیین آیه ذکر شد، با توجه داشت که اولا یکی از خصوصیات مدیرجهادی گوش کردن به دستورات مقام مافوق است و ثانیا این توجه و ایمان به خدا سبب باقی ماندن وی در میدان جهاد می شود. اگر مدیری از نیروی ایمان به خدا یا اطاعت محض خالی باشد، در مواقع حساس نمی تواند به درستی و تصمیم گیری کند.

---

[۵۲] نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴.
[۵۳] آل عمران، ۱۵۶.
[۵۴] آل عمران، ۱۵۵.
[۵۵] فتح، ۱۵ و توبه، ۳۸.
[۵۶] توبه، ۸۶ و توبه، ۸۷ و توبه، ۹۳.
[۵۷] احزاب، ۱۸ و توبه، ۴۹.
[۵۸] احزاب، ۱۵.
[۵۹] نور، ۶۲.
[۶۰] المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۵، ص: ۱۶۶.

نتیجه گیری :

با توجه به مسائلی که مطرح شد یکی از مقومات مدیریت جهادی بحث کوشش و تلاش می باشد[۶۱]. البته این کوشش و تلاش مضاعف به این معنا نیست که ما کار فرا قانونی انجام دهیم[۶۲]. یکی دیگر از پایه های مدیریت جهادی توکل به خدا و حفظ معنویات است[۶۳]. در مدیریت جهادی، مدیریتی مطلوب است که اولا اسلامی و ثانیا مبتنی بر فرهنگ و ظرفیتهای داخلی کشور باشد. از مهمترین ارکان مدیریت اسلامی و جهادی، فرمانده کل قوا می باشد که مدیران خُرد باید تحت فرامین ایشان به اداره ی امور پرداخته و منویات ایشان را همیشه مد نظر داشته باشند. مدیریت جهادی مشمول احکام جنگ ابتدایی و دفاعی است و یک مدیرجهادی باید به گزینه های جهاد به معنای اعم آن آگاهی داشته باشد.

---

[۶۱] بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ به نقل از farsi.khamenei.ir.

[۶۲] بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۶/۶ به نقل از farsi.khamenei.ir.

[۶۳] بیانات رهبری در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۳۹۳/۲/۱۲ به نقل از farsi.khamenei.ir.

فهرست منابع

مکتوب

فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، نرم افزار جامع الاحادیث ۳٫۵، مرکز کامپیوتر نور.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، نرم افزار قاموس النور ۲، مرکز کامپیوتر نور.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، نرم افزار قاموس النور ۲، مرکز کامپیوتر نور.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، نرم افزار جامع فقه اهل بیت۲، مرکز کامپیوتر نور.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، نرم افزار جامع الاحادیث ۳٫۵، مرکز کامپیوتر نور.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نرم افزار جامع التفاسیر ۲٫۵، مرکز کامپیوتر نور.
- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، نرم افزار جامع التفاسیر ۲٫۵، مرکز کامپیوتر نور.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، نرم افزار جامع الاحادیث ۳٫۵، مرکز کامپیوتر نور.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، نرم افزار قاموس النور ۲، مرکز کامپیوتر نور.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، نرم افزار جامع الاحادیث ۳٫۵، مرکز کامپیوتر نور.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، نرم افزار جامع الاحادیث ۳٫۵، مرکز کامپیوتر نور.

انگلیسی

- New Oxford American Dictionary.

غیرمکتوب

- Leader.ir
- farsi.khamenei.ir